

قیام امام حسین علیه السلام از منظر اندیشمندان و آزادی خواهان جهان

ستاربردی فجوری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

چکیده

امام حسین علیه السلام در سال چهارم هجری متولد شد. آن حضرت در دوران حیات خود، شاهد بسیاری از حوادث تاریخی بود. پس از شهادت امام علی و امام حسن علیهما السلام بسیاری از مردم، به ویژه مردم کوفه و عراق با نامه نگاری فراوان، آن حضرت را به سوی خود دعوت کردند. پس از به خلافت رسیدن یزید، امام علیه السلام از بیعت با وی امتناع کرد. در این نوشتار علل و عوامل وقوع حادثه عاشورا و چرایی و اهداف قیام امام حسین علیه السلام بررسی شده است. همچنین تأثیر این واقعه تاریخی، بر جنبش های اسلامی و غیر اسلامی که در طول تاریخ به وقوع پیوست، مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت دیدگاه دانشمندان و بزرگان ادیان و مذاهب درباره علل و چرایی قیام امام حسین علیه السلام مطرح شده است.

کلیدواژه ها: اسلام، امام حسین علیه السلام، بازتاب عاشورا، عاشورا، کربلا.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد. sattar5042 @ yahoo.com

زندگانی امام حسین علیه السلام از تولد تا کربلا

امام حسین علیه السلام در شب پنجم ماه شعبان سال چهارم هجری متولد شدند. برخی سوم شعبان و روزهای آخر ربیع الاول سال سوم هجری در شهر مدینه را تاریخ ولادت ایشان دانسته‌اند. هنگامی که آن حضرت متولد شد، جبرئیل فرود آمد در حالی که هزار فرشته همراه او بودند و همگی این تولد را بر پیامبر صلی الله علیه و آله تبریک و تهنیت می‌گفتند (سید بن طاووس، ۱۳۹۶: ۳۳). پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله همان آدابی را که برای امام حسن علیه السلام انجام داده بود، مانند گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد و عقیقه کردن، برای ایشان نیز بجا آورد. همسر عباس بن عبدالمطلب به امر پیامبر صلی الله علیه و آله دایگی وی را بر عهده گرفت (عمادی حائری، ۱۳۸۸: ۱۳/۳۹۶). آن حضرت مورد عنایت خاص پیامبر صلی الله علیه و آله بود و او را سرور و مهتر جوانان بهشت می‌خواند (صابری، ۱۳۹۳: ۱۹۶/۲). کنیه آن حضرت، ابوعبدالله و دارای القاب فراوان از جمله سیدالشهداء و سبط است (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۱۰۶۸/۳). از القاب دیگر آن حضرت می‌توان به سید، وفی، ولی، مبارک و شهید کربلا اشاره کرد (نعمانی، ۱۳۸۱: ۷).

روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، امام حسین علیه السلام را بسیار دوست داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حسین از من است و من از حسین ام، خداوند دوست بدارد کسی را که حسین را دوست می‌دارد» و جایی دیگر به نقل از جابر بن عبدالله روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس دوست دارد به مردی از اهل بهشت بنگرد، به حسین بن علی علیه السلام نگاه کند» (نعمانی، ۱۳۸۱: ۸). روزی عمر می‌بیند که حسین علیه السلام بر پشت پیامبر صلی الله علیه و آله سوار شده و ریسمانی در دهان آن حضرت است، می‌گوید: «نعم الجمل جملک یا ابا عبدالله». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «نعم الراكب هو عمر» (سپری، ۱۳۷۸: ۳۹).

خلفای راشدین و صحابه گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله، امام حسن و حسین علیه السلام را بسیار دوست داشتند و همواره مورد احترام قرار می‌دادند. حسین علیه السلام شبیه‌ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله از جهت قامت و اندام بود، در عین حال بسیاری از سجایای اخلاقی و ویژگی‌های آن حضرت نیز در وی نمایان بود (نعمانی، ۱۳۸۱: ۸). امام علیه السلام تا هفت سالگی با پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرد. پس از آن نیز تا چهل سالگی دوران خلافت خلفای راشدین را درک کرد. پس

از شهادت امام علی علیه السلام، خلافت اموی را شاهد بود که با به خلافت رسیدن یزید از بیعت با او امتناع کرده، بر علیه حکومت نا عدل او قیام کرد (محسن زاده، ۱۳۷۹: ۲۳).

زمینه‌های وقوع واقعه کربلا و پیامدهای آن

امویان با بذل و بخشش اموال و املاک توانستند بر فرزندان علی علیه السلام غالب آیند. اما کم کم در اوایل اسلام، حب جاه و مال بر فضایل اخلاقی فائق آمده، افکار و آراء حضرت علی علیه السلام و خاندانش بی اثر ماند. چنان که مردم کوفه به خاطر جاه و مال، بیعت و عهد خود را با امام حسین علیه السلام شکستند (زیدان، ۱۳۸۴: ۶۵). در اواخر سال ۶۰ ق معاویه درگذشت و مردم با یزید بیعت کردند. از جمله افرادی که از بیعت با یزید سرباز زدند، می‌توان به حسین بن علی علیه السلام، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر اشاره کرد (ابراهیم حسن، ۱۳۸۰: ۳۴۸). هنگامی که یزید به خلافت رسید، مخالفانی که در زمان پدرش جرأت اقدام نداشتند به پا خواستند. یکی از این گروه‌ها هواخواهان علی علیه السلام در کوفه و دیگری مردم مدینه بودند که عبدالله بن زبیر آنها را رهبری می‌کرد (آربری و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۳۰).

ایام خلافت یزید یکی از شوم‌ترین و نفرت‌انگیزترین دوره تاریخی اسلام است. یزید در مدت سه سال و نیم حکومتش حسین بن علی علیه السلام را به شهادت رساند، مدینه شهر پیامبر صلی الله علیه و آله را غارت کرد و خانه کعبه را به سنگ و آتش بست (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۱۱۹). یکی از کارهای مهم یزید پس از به حکومت رسیدن، گرفتن بیعت از پنج نفر بود، که در این بین بیعت حسین بن علی علیه السلام و عبدالله بن زبیر از اهمیت خاصی برخوردار بود (فیاض، ۱۳۷۴: ۱۸۱). در همان ایام مردم کوفه فردی را نزد امام حسین علیه السلام فرستاده اعلام کردند که ما در انتظار بیعت با تو هستیم و در این راه آماده مرگ می‌باشیم (مسعودی، ۱۳۷۸: ۵۸/۲).

ولید حاکم مکه به امام حسین علیه السلام گفت؛ جمله مسلمانان با یزید بیعت کرده و بر حکومت او راضی شده‌اند، انتظار است که تو هم بیعت کنی. حضرت فرمود؛ این کار بزرگی است که در خفیه انجام شود، فردا مردم را بخواهید آن‌گاه ما هم حاضر خواهیم شد

تا آنچه صلاح باشد به جا آوریم (ابن اعثم، بی تا: ۷۰۴). اما پس از چند روز به همراه خانواده و یاران خود راهی مکه منوره شد. وقتی که امام حسین علیه السلام از مدینه خارج و وارد مکه شد، اهالی مکه با گشاده رویی به استقبالش آمدند و شب و روز به خدمت وی حاضر می شدند (همان، ۷۱۳).

عزیمت به عراق

امام حسین علیه السلام در مکه بود که مسلمانان کوفه مجدد فردی را نزد آن حضرت فرستاده و وعده دادند که اگر مقر او در کوفه باشد، او را حامی خواهند بود (دورانت، ۱۳۷۸: ۲۴۹/۴). مردم کوفه قریب به یک صد نامه به امام حسین علیه السلام نوشته و افراد بسیاری را واسطه قرار دادند تا آن حضرت قبول کند. در نهایت امام علیه السلام در جواب نوشتند: نامه های بسیاری از شما رسید که بر من حجت شد که خواهان من هستید، بنابراین تأخیر و اهمال را جایز ندانسته، ابتدا پسر عم خود، مسلم بن عقیل را که مردی دانشمند است و دارای حلم و بردباری، نزد شما اعزام خواهیم کرد تا صدق و راستی نهایی عهد شما را بیازماید (تتوی، ۱۳۸۲: ۷۳۰/۲).

امام حسن علیه السلام، آن هنگام که در بستر مرگ بود به برادرش حسین علیه السلام گفت: ای برادر مبادا اهل کوفه تو را اغوا کرده وارد جنگ کنند. از اینان بر حذر باش که بر عهد آنان اطمینانی نیست (صادقیان تالشی، ۱۳۹۸: ۷۰). عمرو بن عبدالرحمان مخزومی هم آن حضرت را بر حذر داشت و گفت: من بر تو از این سفر بیمناکم، به شهری می روی که عاملان و امیران را اطمینانی نیست. مردم این شهر، بندگان درهم و دینارند. ترس آن دارم که افرادی که وعده یاری داده اند با تو بچنگند (طبری، ۱۳۷۴: ۲۹۶۳/۷). ابن عباس هم گفته بود: «خدا ترا از این سفر محفوظ دارد، خدایت قرین رحمت بدارد. به من بگو آیا سوی قومی می روی که حاکمشان را کشته اند و ولایتشان را به تصرف آورده اند و دشمن خویش را بیرون رانده اند، اگر چنین کرده اند سوی آن ها رو، اما اگر ترا خوانده اند و حاکمشان آنجاست و بر قوم مسلط است و عمال وی خراج ولایت می گیرند ترا به جنگ و زد و خورد دعوت کرده اند و بیم دارم فریبت دهند و تکذیب کنند و مخالفت تو کنند و

یاریت نکنند و برضد تو حرکتشان دهند و از همه کس در کار دشمنی تو سخت تر باشند» (طبری، ۱۳۷۴: ۲۹۶۵/۷). امام حسین علیه السلام در پاسخ گفت: «از خدا خیر می جویم، ببینم چه خواهد بود».

همانطور که گفته شد امام حسین علیه السلام در سال ۶۱ ق از بیعت با یزید خودداری کرد و با دعوت های مکرر عراقیان که او را جانشین برحق امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام می دانستند، با گروهی اندک از نزدیکان خود، زنان و فرزندان راهی کوفه شد (حتی، ۱۳۸۰: ۲۴۷). عواملی که باعث قیام آن حضرت شد، به شرح زیر است: ۱- حکومت وقت، ستمکار بود و در عین ستمکاری بیعت اجباری را درخواست می کرد؛ ۲- دعوت مردم کوفه و اعلام حمایت آنها برای ایجاد حکومت اسلامی؛ ۳- زنده نگهداشتن امر به معروف و نهی از منکر (نعمانی، ۱۳۸۱: ۱۲).

به هر روی آن حضرت تصمیم گرفت که مسلم بن عقیل را برای راستی آزمایی اهالی کوفه اعزام کند. امام علیه السلام در مسیر حرکت به کوفه، وقتی به ثعلبیه رسید، از کشته شدن مسلم و حامی او هانی بن عروه باخبر شد. این خبر ادامه حرکت به سوی کوفه را با تردید روبه رو ساخت. اما عواملی چون، اصرار و پافشاری فرزندان مسلم و نیز همراهان دیگر، آن حضرت را مجاب به ادامه حرکت به سوی کوفه کرد (حیدری آقایی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶۳/۱).

مسلم قبل از کشته شدن به عمر سعد گفت: من به دستور حسین علیه السلام به این سرزمین برای احیای امر به معروف و نهی از منکر وارد شده ام، اما شما تصمیم به کشتن من دارید. از توای عمر سعد خواسته ای دارم که بعد از کشته شدن من نامه ای به حسین بن علی نوشته و او را از حال من خبردار کنی و از او بخواهی که به عراق نیاید (ابن اعثم، بی تا: ۷۳۶). در همان حین، هانی بن عروه را نیز به جهت این که مسلم بن عقیل را در خانه خود جا داده بود، کشتند (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱۷۹/۲).

هنگامی که امام حسین علیه السلام بر سرزمین کربلا فرود آمد، فرمود که بارها را در یک طرف فرات خالی کرده، خیمه ها را برپا کنند (ابن اعثم، بی تا: ۷۵۴). در این محل عبیدالله بن زیاد در سرزمین کربلا مانع حرکت و پیشروی آن حضرت شد، زمینه جنگ و درگیری را

فراهم ساخت (آبروی، ۱۳۷۷: ۱۳۱). روز دهم محرم سال ۶۱ ق حسین علیه السلام نماز جماعت صبح خود را خواند، یارانش سوی چادرهای خود رفتند تا سلاح پوشیده، آماده دفاع شوند (رهنما، ۱۳۷۸: ۳۶۲). ابن زیاد لشکری به فرماندهی عمر بن سعد بن ابی وقاص به سوی او فرستاده بود، دو گروه در مقابل هم قرار گرفتند، امام حسین علیه السلام و یارانش چنان جنگی کردند که هرگز کسی مانند آن ندیده بود، در نهایت آن حضرت و یارانش به شهادت رسیدند (طبا طباً، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

وقتی که سر حسین علیه السلام را نزد ابن زیاد آوردند، ابوبرزه را طلبیده از وی پرسید؛ حال من و حسین در روز قیامت چگونه خواهد بود؟ ابوبرزه ابتدا از جواب دادن امتناع کرد و گفت: ای امیر، خدای سبحانه و تعالی می داند. اما اصرار ابن زیاد بر شنیدن جواب، ابوبرزه را مجاب کرد که پاسخ دهد. وی گفت: گمان من آن است که در روز قیامت شفیع و مددکار حسین علیه السلام، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود و از آن شما هم پدرت زیاد شفاعت خواهد کرد. ابن زیاد از این جواب خشمگین شده گفت: از مجلس ما بیرون برو، یقین بدان که اگر در حمایت و رعایت من نبودی گردن تو را می زدم. پس ابوبرزه از مجلس خارج شده و دیگر هیچ وقت به مجلس ابن زیاد حاضر نشد (تتوی، ۱۳۸۲: ۸۴۴/۲).

حرکت تاریخ ساز امام حسین علیه السلام حائز اهمیت و دارای پیام انسانیت بود. پیام آن حضرت به همه مردم جهانیان این بود که مرگ برای فرزند آدم زیباست. مرگ چون گردنبندی است که در گردن دختری زیبا و جوان نقش بسته است (شریعتی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

پس از این واقعه تاریخی، افرادی نظیر مختار با جمع کردن عده ای که از یاری رساندن به امام حسین علیه السلام در آن زمان نادم و پشیمان بودند به خونخواهی حسین بن علی علیه السلام برخاست به گونه ای که حتی توفیقاتی یافته و برکوفه مسلط شد. سلیمان بن صرد خزاعی نیز با همراهی گروهی از کوفیان، قیام توأبیین را راه اندازی کرد (زرین کوب، ۱۳۹۳: ۹۵؛ صابری، ۱۳۹۳: ۱۹۸/۲).

امام حسین علیه السلام از منظر اندیشمندان و آزادی خواهان جهان

قیام امام حسین علیه السلام در طول تاریخ، برای بسیاری از انقلاب ها به عنوان الگو

بوده است. امام علیه السلام با گروه اندک از یاران خود با جانفشانی، ایثار و گذشت، برای بسیاری از افراد آموزنده بوده و خواهد بود. در طول تاریخ هرانسانی که از سرنوشت حسین علیه السلام آگاهی پیدا کرده بر مظلومیتش شهادت داده است. بسیاری از دانشمندان نیز درباره این واقعه دیدگاه‌های خود را بیان کرده‌اند که در ذیل به بیان آن خواهیم پرداخت.

مهاتما گاندی؛ رهبر سیاسی و معنوی هندی‌ها، که ملت هند را در راه آزادی از استعمار امپراتوری بریتانیا رهبری کرد، می‌گوید: «من برای مردم هند چیز تازه‌ای نیاوردم فقط نتیجه‌ای که از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده بودم ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات بدهیم واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی علیه السلام پیمود» (محس زاده، ۱۳۷۹: ۹۷).
گاندی در جایی دیگر می‌نویسد: «من زندگی امام حسین علیه السلام، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین علیه السلام پیروی کند» (خبرگزاری تسنیم).

ابوالاسود دؤلی؛ از قبيله کنانه، حدود سال ۱۶ قبل از هجرت متولد شد. او جزو تابعین، عالمی توانا و محدثی بزرگ و از اصحاب علی بن ابی طالب علیه السلام به شمار می‌رود که در جنگ‌های متعددی شرکت جست. وی در صیده‌ای درباره رفتار ابن زیاد با حسین علیه السلام چنین می‌گوید: «از فرط غم می‌گوئیم خدا ملک بنی زیاد را نابود کند و آنها را به سبب مکر و خیانتی که کردند از میان بردارد، چنان که قوم ثمود و عاد را از میان برداشت» (مسعودی، ۱۳۷۸: ۷۲/۲).

شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا الگویی برای همه کسانی است که از اسلام در مقابل کفار دفاع می‌کنند. به قول محمد عیاشی الکبیری، امام حسین علیه السلام مکتبی از شهادت را تأسیس کرد که این مکتب برای همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی الگویی بی‌همتاست (خواجه سروری، ۱۳۹۰: ۴۸).

نیکلسون؛ خاورشناس و اسلام‌شناس انگلیسی، شارح و مترجم آثار عرفانی فارسی و اسلامی به زبان انگلیسی می‌نویسد: «همه مورخان مسلمان، به جز گروهی بسیار اندک بر

ضد امویان هم سخند، حسین بن علی را شهید می دانند و یزید بن معاویه را سفاک و ستمگر می شمارند» (ابراهیم حسن، ۱۳۸۰: ۳۵۲). وی در جایی دیگر می نویسد: «حادثه کربلا، حتی مایه پشیمانی و تأسف امویان شد. زیرا این واقعه، شیعیان را متحد کرد و برای انتقام امام حسین علیه السلام هم صدا شدند و صدای آنان در همه جا انعکاس یافت» (مجیدی، ۱۳۸۱: ۴۹).

فلیپ خوری حتی؛ استاد لبنانی-آمریکایی در دانشگاه های پرینستون و هاروارد، در کتاب تاریخ عرب می نویسد: «خون حسین تخمه های مذهب شیعه را بیش از آنچه پدرش رویانیده بود پرویانید. حقا که مذهب شیعه به واقع روزدهم محرم پدید آمد و از آن روز امامت خاندان علی علیه السلام از اصول اعتقاد شیعه شد، چنانکه نبوت محمد صلی الله علیه و آله از اصول اسلام است. تذکار واقعه کربلا بانگ جنگی شیعیان شد و در هنگام پیکار فریاد می زدند «یا لثارات الحسین» (یعنی ای انتقام های حسین). چنانکه بعدها حوادث نشان داد این امر از جمله عواملی بود که بنیان دولت امویان را به ویرانی کشانید» (فلیپ خوری، ۱۳۸۰: ۲۴۸).

ادوارد گیبون؛ تاریخ نگار انگلیسی و عضو پارلمان این کشور که بزرگترین اثر او *انحطاط و سقوط امپراتوری روم* است، می نویسد: «در طی قرون آینده بشریت و درسرزمین های مختلف، شرح صحنه حزن آور شهادت امام حسین علیه السلام موجب بیداری قلب خون سردترین قاریان و خوانندگان خواهد شد» (مجیدی، ۱۳۸۱: ۴۹).

ایرونیگ واتشینگتن؛ نویسنده و سیاست مدار آمریکایی، مقاله نویس، شاعر، سفرنامه نویس، زندگی نامه نویس و خالق داستان های کوتاه^۱ درباره امام حسین علیه السلام می نویسد: «برای امام حسین علیه السلام ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلیفه بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هرناراحتی و فشاری به منظوررها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. روح حسین فناپذیر است» (مجیدی،

۱. او را پدر داستان های کوتاه در ادبیات آمریکا می دانند.

۱۳۸۱: ۴۹).

اکبر احمد؛ صاحب کرسی ابن خلدون در موسسه مطالعات اسلامی و استاد روابط بین المللی در دانشگاه آمریکایی واشینگتن در کتاب *اسلام از آغاز تا امروز* می نویسد: «قیام کربلا نزد شیعه از اهمیت بسیاری برخوردار است. حسین علیه السلام پس از کشته شدن پدر و برادرانش، خانواده و پیروانش را در محرم سال ۶۰ ق علیه خلافت و سپاه یزید رهبری فرمود، اما با مصائب بزرگی روبه رو گردید. در نبردی نابرابر که بین دو سپاه روی داد، هفتاد و دو تن از پیروان حسین علیه السلام به دست سپاهی متشکل از هزاران نفر کشته شدند و سر حسین علیه السلام را از پیکرش جدا کردند» (احمد، ۱۳۸۹: ۶۶).

عبدالرحمن شرقاوی؛ نویسنده مصری، امام حسین علیه السلام را راه دین و آزادی می داند و می نویسد: «حسین شهید راه دین و آزادی است، نه تنها شیعه باید به نام حسین ببالد بلکه تمام آزاد مردان دنیا باید به این نام شریف افتخار کنند» (محسن زاده، ۱۳۷۹: ۷۴).

ژول لایوم؛ خاورشناس فرانسوی، نویسنده کتاب *تفصیل آیات القرآن الحکیم* در خصوص علت وقوع حادثه کربلا می نویسد: «علت وقوع حادثه کربلا برای امام حسین علیه السلام فروزان شدن شعله های خشم و فتنه های داخلی بود که امام حسین علیه السلام برای پاسداری از حریم دین اسلام به عنوان اعتراض و جلوگیری از تجاوزات و فساد یزید به مقابله و مبارزه برخیزد و خود و خاندانش را برای احیای دین اسلام فدا کند» (علیشاهی، ۱۳۹۸: ۹۵).

شیخ محمد عبده؛ فقیه، حقوقدان و اصلاح گردینی مصری و به روایت طرفدارانش، از اندیشمندان مسلمان و از پیشگامان نواندیشی دینی در دنیای اسلام است. وی که مفسر نهج البلاغه و از دانشمندان مشهور است، می نویسد: «قیام امام حسین ۷ بر علیه یزید واجب بود؛ زیرا هنگامی که حکومت عدل برای پیاده کردن دستورات اسلام وجود داشته باشد و حکومت ستم کار آن دستورات را تعطیل کرده باشد بر همه مسلمین واجب است به اولی کمک کرده و دومی را از کار برکنار کنند. از این جهت قیام امام حسین علیه السلام فرزند رسول الله واجب بود علیه پیشوای ظلم و ستم که امورات مسلمین را به دست گرفته بود، یعنی یزید بن معاویه خداوند او و کمک هایش را خوار کند، واجب و از کرامت و بلند همتی او بود» (محسن زاده، ۱۳۷۹: ۸۰).

علامه محمد اقبال لاهوری؛ فیلسوف، سیاست‌مدار، محقق و نویسنده بزرگ پاکستانی می‌نویسد: «امام حسین علیه السلام و یارانش برای کسب آزادی و گریز از بندگی طاغوت و غیر خدا و اثبات بندگی نسبت به خدا و برخوردار کردن دیگران از آزادی در سایه تعبد الهی قیام کردند. لذا بهترین درسی که از قیام حسین بن علی علیه السلام می‌توان آموخت، همین حریت خواهی معنوی است. بنابراین، تنها کسانی می‌توانند پیرو واقعی حسین علیه السلام باشند که در درجه اول، آزادی طلب باشند، در ثانی پس از کسب آن، دیگران را هم از آن بهره‌مند سازند. سپس، تا زمانی که آدمی در درون خود نیازی به آزادی نکند و دشمنان درونی آزادی را نشناسد و به در بند بودن خود پی نبرد، هرگز در صدد دانش‌آموزی از مکتب آزادی بخش بر نخواهد آمد» (علیقی، ۱۳۸۹: ۵۳).

فلسفه عاشورا، در آزادی بخشی آن است. هر چند که عاشورا، آزادی از موانع درونی و بیرونی را به انسان‌ها ارزانی می‌دارد، ولی تقدم با آزادی درونی است، زیرا تا زمانی که آدمی ارزش آن را نداند و قدر آن را نشناسد، هرگز بهره‌کافی را از آن نخواهد برد.

چارلز دیکنز؛ نویسنده نامدار انگلیسی و برجسته‌ترین رمان‌نویس عصر ویکتوریا می‌نویسد: «اگر منظور حسین علیه السلام جنگ در راه خواسته‌های دنیایی خود بود، من نمی‌فهمم چرا خواهران و اطفالش را به همراه برد؟ پس عقل چنین حکم می‌کند که او به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد» (محسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۹۷).

ابن خلدون؛ تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس مشهور عرب می‌نویسد: «این عمل یزید، از اعمالی است که فسق او را نشان می‌دهد و حسین در این واقعه، شهید و نزد خدا ماجور است و عمل او بر حق و از روی اجتهاد بود» (ره‌توشه، ۱۳۸۲: ۱۶۲).

توماس ماساریک؛ سیاست‌مدار، جامعه‌شناس و فیلسوف اهل چک معتقد است: «گر چه کشیشان ما هم از ذکر مصایب حضرت مسیح مردم را متأثر می‌سازند، ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین علیه السلام یافت می‌شود در پیروان مسیح یافت نخواهد شد و گویا سبب این باشد که مصایب مسیح در برابر مصایب حسین علیه السلام مانند پرکاهی است در مقابل یک کوه عظیم پیکر» (خبرگزاری تسنیم).

قرشی زُهری؛ محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله بن شهاب (متوفای ۱۲۴ق) از

بنیان گذاران علم حدیث است. زُهری درباره امام حسین علیه السلام می نویسد: «از کسانی که در شهادت امام حسین علیه السلام دست داشتند، احدی نبود که پیش از مردن، در همین دنیا به کیفر خود نرسد. برخی کشته شدند و برخی روسیاه یا مسخ شدند و برخی از دولت و سلطنت به زیر افتادند. کسانی که می خواستند باغ شهواتِ نفسانی و امیال شیطانی خود را با خون انسان های پاک و ریحانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آبیاری کنند، دیری نپایید که دست قهر الهی به صورت های مختلف از پشت پرده غیب ظاهر شد و باغ و بهارشان را به رنگ خرمن سوخته و بوستان خزان دیده درآورد و کاخ جور و ستم را از بنیان برکند» (ره توشه، ۱۳۸۲: ۱۶۴).

ماربین؛ فیلسوف و شرق شناس آلمانی: «... در ظاهر، یزید، حسین علیه السلام و انصارش را کشت؛ اما در باطن، حسین علیه السلام یزید و همه بنی امیه را بدتر از هزار بار کشت. یزید آنها را در یک روز به شهادت رساند؛ اما امام حسین علیه السلام او و طرفدارانش را تا ابد و هر روز می کشد» (انصاری، ۱۳۹۴: ۹۹).

محمد علی جناح؛ رهبر مسلمانان هند در مقابل استعمار انگلیس و از رهبران هند و پاکستان می نویسد: «هیچ نمونه ای از شجاعت، بهتر از آنچه امام حسین علیه السلام نشان داد، در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند» (اکبریان، ۱۳۹۸: ۱۴).

آنتوان بار؛ نویسنده و متفکر مسیحی معاصر: «امام حسین علیه السلام خود و خانواده اش را فدای رسالت اسلام کرد و با قربانی کردن خود، نه تنها اسلام، بلکه تمام ادیان الهی را احیا کرد». وی در ادامه می نویسد: «رابطه مسیحیان با امام حسین علیه السلام نشأت گرفته از این باور مسیحیان است که معتقدند انسانی که در راه دفاع از عقیده خود به شهادت برسد، انسانی بزرگ است و منزلت والایی دارد. بنابراین شهیدی مانند امام حسین علیه السلام برای آنها یادآور حضرت عیسی علیه السلام است، به همین دلیل عشق و محبت به امام حسین علیه السلام بر هر مسیحی واجب است» (خبرگزاری ایسنا).

مسکین قلیچ؛ شاعر بزرگ ترکمن که در شعر «بلالاردان نشان»، ضمن اشاره به جنگ ترکمن ها با روس و قتل عام ترکمن ها گریزی به صحنه کربلا و شهیدان کربلا زده است:

لعنتی دجال لعین قویغان کیبی بولدی بشر
قیرمیزی قانلاردوکولدی آقادی دریا دک نهر
کربلا شهیدلری دک بولدی اولاد بشر
کیمی مغرب، کیمی مشرق ساری بولدی دربدر
عرصات قویدی بوگون مومن لره آخرزمان^۱
(قاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

نتیجه

امام حسین علیه السلام که در دامن مکتب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پدر بزرگوارشان امام علی علیه السلام رشد و نمو پیدا کرد و آموزه‌های دینی را برای برقراری عدالت به حق آموخته بود با یزید بیعت نکرد و برای ایجاد عدالت قیام کرد. قیام تاریخ ساز امام حسین علیه السلام در سال ۶۱ ق بی شک برای بسیاری از کشورها و ملت‌ها الگویی مناسب برای مبارزه با بی‌عدالتی و برقراری عدالت بوده است. امام علیه السلام با ایمان و اعتقاد راسخ، با علم و آگاهی از سرنوشت با اندک یاران خود راهی کوفه شد و در یک جنگ نابرابر در مقابل سپاه یزید به شهادت رسیدند. این شهادت چندان در تاریخ تأثیرگذار بوده و هست که پس از قرن‌ها، هنوز هم یاد شهداء کربلاگرامی داشته و بر مظلومیت آنان گریه و نوحه سرداده می‌شود. این شهادت بزرگ در تاریخ، بسیاری از حرکت‌های دیگر مبارزه با ظلم، ستم و جور را فراهم کرده و چه بسا که در ادیان و مذاهب دیگر نیز به عنوان الگو پذیرفته شده است. بسیاری از دانشمندان و علماء در ادیان و مذاهب دیگر نیز از مظلومیت امام حسین علیه السلام دفاع کرده و جفایی که در حق او و یارانش انجام شده را قلم فرسایی کرده‌اند.

منابع

- آربری، آ. ج و دیگران (۱۳۷۷ ش)، *تاریخ اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر.

۱. این قشون، برای انسان‌ها مانند ظهور دجال لعنتی شد / خون‌های قرمز ریخته شده، چون رودخانه‌ای جاری شد / فرزندان آدم مثل شهیدان کربلا شهید شدند / گروهی به مغرب، گروهی به مشرق دربدر و آواره شدند / برای مومنان، امروز قیامت برپا شد.



- ابن اعثم کوفی (بی تا)، *تاریخ الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، [بی نا].
- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۸۰ش)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات جاویدان.
- احمد، اکبر (۱۳۸۹ش)، *اسلام از آغاز تا امروز*، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی.
- اکبریان، سید محمد (محرم الحرام ۱۳۹۸ش)، «قیام امام حسین (ع) از دیدگاه اندیشمندان اهل سنت»، ره توشه راهیان نور، دوره ۱۴۴۱، شماره ۹۸.
- انصاری، علیرضا (ویژه محرم الحرام ۱۳۹۴ش)، «قیام امام حسین (ع) از نگاه دانشمندان غیر مسلمان»، ره توشه راهیان نور، دوره ۱۴۳۷، شماره ۳۵.
- تتوی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی، (۱۳۸۲ش)، *تاریخ الفی*، ترجمه غلامرضا طباطبایی، تهران، علمی و فرهنگی.
- حتی، فلیپ خوری (۱۳۸۰ش)، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.
- حیدری آقایی، محمود و دیگران (۱۳۸۶ش)، *تاریخ تشیع (۱)*، تهران، سمت.
- خواجه سروری، غلامرضا (۱۳۹۰ش)، *بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دورانت، ویل (۱۳۷۸ش)، *تاریخ ویل دورانت (عصر ایمان / بخش اول)*، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.
- ره توشه راهیان نور (۱۳۸۲ش)، *مجهول المؤلف*، قم، موسسه بوستان کتاب قم.
- رهنما، زین العابدین (۱۳۷۸ش)، *زندگانی امام حسین (ع)*، تهران، نشر زوار.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۳)، *دوقرن سکوت*، تهران، انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۸۲ش)، *بامداد اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۴ش)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر.
- سپری، فریدون (۱۳۷۸ش)، *خلفاء راشدین در نظم و نشر فارسی*، سنندج، انتشارات کردستان.

- سید بن طاووس، (۱۳۹۶ش)، *لهوف*، ترجمه سیداحمدفهری زنجانی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- شریعتی، علی (۱۳۹۱ش)، *حسین وارث آدم*، تهران، انتشارات قلم و بنیاد فرهنگی.
- صابری، حسین (۱۳۹۳ش)، *تاریخ فرق اسلامی*، تهران، سمت.
- صادقیان تالشی، سیدمحمدفیاض (۱۳۹۸ش)، «تحلیل عوامل و مبانی قیام حسینی از منظر اهل سنت»، فصل نامه تخصصی صراط، شماره ۱۸، تابستان.
- طباطبایا، محمدبن علی (۱۳۸۹ش)، *تاریخ فخری*، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۴ش)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- علیشاهی، علی و امین علیشاهی (۱۳۹۸ش)، «امام حسین (ع) و عاشورا پژوهی مستشرقان فرانسوی»، فصلنامه معارف حسینی، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان.
- علیقلی، امیرحسین (۱۳۸۹ش)، *امام حسین (ع) از دیدگاه ۱۱۴ اندیشمند*، تهران، عابد.
- عمادی حائری، سیدمحمد (۱۳۸۸ش)، «حسین بن علی، امام» دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- فیاض، علی اکبر (۱۳۷۴ش)، *تاریخ اسلام*، تهران، دانشگاه تهران.
- قاضی، مراد دردی (۱۳۸۴ش)، *دیوان مسکین قلیچ، گرگان*، عشق دانش.
- مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۷۶ش)، *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*، قم، انتشارات حر.
- مجیدی، صدیقه السادات (۱۳۸۱ش)، «امام حسین از منظر اندیشمندان و مستشرقین»، کوثر، شماره ۴.
- محسن زاده، احمد (۱۳۷۹ش)، *آفتاب کربلا*، قم، انتشارات روحانی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۷۸ش)، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.
- نعمانی، عبدالکریم (زمستان ۱۳۸۱ش و بهار ۱۳۸۲ش)، «روایتی از انقلاب عاشورا و شهادت حضرت حسین (ع)»، فصل نامه ندای اسلام، سال سوم و چهارم،

شماره ۱۳-۱۲.

- یعقوبی، احمدابن اسحاق (۱۳۸۲ش)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.

- <https://www.isna.ir> خبرگزاری دانشجویان ایران. ایسنا ۱۴۰۰/۶/۴. ساعت ۹ صبح.

- <https://www.tasnimnews.com> خبرگزاری تسنیم، پنج شنبه ۱۴۰۰/۶/۴ ساعت ۹

صبح